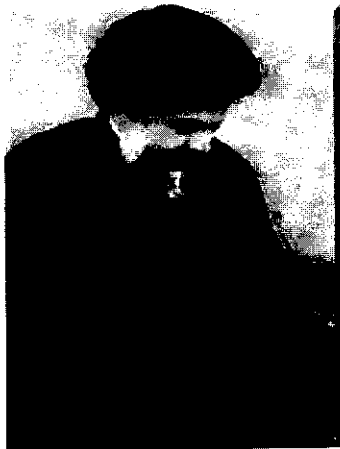


نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*

شهید محمد باقر صدر
مترجم: امین رضا عابدی نژاد داوودی**



چکیده:

این مقاله ترجمه نامه ای است که شهید سید محمد باقر صدر در پاسخ به درخواست تعدادی از علمای لبنان و در توضیح و تبیین اندیشه فقهی خود نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاشته است. ایشان ابتدا در نامه خود با ذکر توصیفات انقلاب اسلامی به نقش رهبری تحت عنوان «مرجعیت رشیده» تأکید می‌کنند و در ادامه اندیشه‌های بنیادین در پیش‌نویس قانون اساسی را توضیح می‌دهند. سپس روش‌های اعمال حاکمیت از سوی مردم و همچنین شرایط و ویژگی‌های شخصی که مسئولیت مرجعیت را قبول می‌کند را ذکر می‌کنند. در پایان شهید صدر تعدادی از اهداف جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بیان می‌کنند و نظریه کوتاه فقهی خود در این نامه را تنها به عنوان پیشنهادی که قابل بررسی و اجراست معرفی می‌نمایند.

آگاهی و عمل بود عرضه کرد و جان را به پای این رسالت سترگ نهاد. مقاله ای که پیش رو دارید ترجمه نامه ای است که شهید سید محمد باقر صدر در پاسخ به سؤال تعدادی از علمای لبنان و در توضیح و تبیین اندیشه فقهی خود نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاشته است.

متأسفانه در میان ما، افکار ایشان بویژه در حوزه سیاست کمتر مورد توجه قرار گرفته و همین کم توجهی،

بی‌گمان باید شهید محمد باقر صدر را یکی از قله‌های فرازمند اندیشه بیداری اسلامی در عصر حاضر دانست. اندیشمندی که در عمر نسبتاً کوتاه خود با جامعیتی کم نظیر و با بیانی شیوا و نثری روان و زبان آشنا با اندیشه‌های معاصر ابعاد کمتر شناخته و یا حتی ناشناخته اسلام را تبیین کرد و معارف عمیق آن را که در طی سالیان در دام جهل و جمود و یا در پنجه استبداد و استعمار گرفتار آمده بودند در یک نظام فکری زیبا، منسجم و هماهنگ به نسلی که تشنه

* چاپ این مقاله برای تکریم شهید صدر پس از سقوط دولت بعثی عراق و تقویت فضای آزاداندیشی دینی صورت می‌گیرد و طبیعی است که پاره‌ای دیدگاه‌های نظری معظم له با تجربه عینی تدوین و اجرای قانون اساسی فاصله داشته باشد. (اندیشه صادق)

** طلبه حوزه علمیه قم

به منظور قدردانی از توجه و عنایت مسؤولانه شما نسبت به این نظریه مبارک، که پرچم آن به دست حضرت آیه الله العظمی امام خمینی برافراشته گشته و به جان مسلمانان گویا و روشنی و به دل‌های آنان حیاتی دوباره بخشیده است در آنچه که خواهد آمد می‌کوشیم به مباحثی که این مسأله را تبیین می‌کند و به سه طرح افکار و نظریات قابل اجرای اسلامی کمک می‌کنند، بپردازیم.

قبل از ذکر این نکته ضروری است گفته شود که این پیشوای مبارز که توانست پرچم این تفکر را برافرازد و سرنوشته پیرومندانه در کتاب تقدیر آن به نگارش در آورد، دارای کلام آخر و فصل الخطاب نسبت به این مسأله می‌باشد.

همه ما بر این نکته تأکید می‌کنیم که شکوه پیروزی بزرگ او در عینیت بخشیدن و عملی کردن این نظریه هرگز از مبارزه سرکشی برای درهم کوبیدن طاغوت و نجات ایران از تاریکیهای ظلم و سرکشی کمتر نبوده است.



حسکوفت پدیده ای اجتماعی و ریشه دار در زندگی انسان است. اول بار این پدیده به وسیله پیامبران الهی و سرمستای شریع آسمانی در یک مساحتار

طبیعی و متعادلی شکل گرفت و به نقش حقیقی خود در رهبری جامعه انسانی بر اساس تعالیم پیامبران و هدایت آن به سوی اهداف آنان و بی ریزی «نظمی اجتماعی» برپایه حقیقت و عدالت همت گمارد.

نظمی که نه تنها وحدت بشری را حفظ می‌کند، بلکه رشد و توسعه جامعه انسانی در جهت درست و مسیری صحیح را هدف خود قرار داده بود.

خداوند در آیه ۲۱۴ سوره بقره می‌فرماید: «کان الناس امة واحدة»

قیمت الله للتمیین مشرین و خندین و

انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه و ما اختلف فیه الا الذین یؤذون من بعد ما جاءتهم البیئات بغیا بینهم فهدی الله الذین آمنوا و ما اختلفوا فیه من الحق بائنه و الله یدعی من یشاء الی صراط مستقیم. «مردم امتی یگانه شدند پس

گرایشهای اصیل سیاسی جامعه ما را از یکی از مهم ترین منابع تئوریک خود جدا کرده است. عدم اهتمام همه جانبه به آثار ایشان در فلسفه سیاسی مشکلات دیگری را هم فراهم آورده، تا آنجا که به اشتباه برخی اندیشمندان، نسبت به آراء ایشان منجر شده است. به عنوان مثال می‌توان به مسأله حدود و اختیارات حاکم اسلامی و یا مسأله «منطقه الفراغ» و روند قانون گذاری در این گستره اشاره کرد. هر چند که اهمیت بررسی جامع الاطراف، پیامون اندیشه سیاسی ایشان بر جای خود باقی است، اما توجه دقیق به محتوای این نامه که لب اندیشه سیاسی ایشان را به صورتی مختصر و در یک ساختار هماهنگ نمایان می‌سازد و تمامی عناصر این اندیشه را در کنار هم می‌نهد، بسی حایز اهمیت و در خور توجه است.

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر حضرت آیه الله العظمی سید محمد باقر صدر مدظله سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بر شما پوشیده نیست نظریه «جمهوری اسلامی» که به رهبری و پرچم داری حضرت آیه الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی مطرح شده، جهان را تکان داده است و نه تنها در سراسر جهان اسلام بلکه در تمامی جهان جایگاهی بزرگ و نقشی سازنده و مثبت یافته است. اکنون نظریه «جمهوری اسلامی» در یک مبارزه فکری، رویاروی مکاتب لائیک و مادی قرار گرفته است. مکاتبی که نقش و حضور دین در عرصه حیات اجتماعی و در هم تنیدگی حکومت و دیانت را انکار می‌کنند و هر گونه کوششی برای اتحاد دنیا و عقبی و سیاست و شریعت را سیهوده می‌پندارند. نظر به شهرت آفاق گستر علمی حضرت تعالی و آگاهی عمیق شما از فقه اسلامی و دیگر رشته های معرفت دینی و تسلط کامل آن جانب به اندیشه های معاصر، خواهشمند است در صورت امکان بنا تبیین این اندیشه بنیادین، ما و ملت مسلمان ایران را بهره مند فرمایید.

شیخ محمد جعفر شمس الدین - شیخ حسن عواد - شیخ علی ضیاء - شیخ عبد الامیر شمس الدین سید محمد غروی - شیخ نجیب سویدان - شیخ علی طحینی - شیخ واعب حرب.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم و الصلاة و السلام علی قائد البشریة محمد و علی الهداة الميامین من آلہ الطاهیرین و الطیورین و اصحابه الصالحین

خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب خود را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کنند و جز کسانی که کتاب بر آنان داده شده پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد به خاطر ستمی که میانشان بود هیچ کس در آن اختلاف نکرد، پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند به توفیق خویش به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند.

بر اساس این آیه شریفه ابتدا و در مرحله فراگیری و عمومیت گرایشهای فطری، همه انسانها یک جامعه را تشکیل می دادند. یگانگی مردم در درون امت نیز ناشی از انگارهای ابتدایی نسبت به حیات، مسایل و دغدغه های اندک و نیازهای ساده و بسیط بود. به تدریج در جریان زندگی اجتماعی استعدادهای متفاوت انسانی، مواهب مختلف خدادادی، تواناییها و امکانات متنوع رخ نمود. آفاق نظر و اندیشه انسان گسترده، آرزوها و امیال او گوناگون و نیازهای زندگی اش پیچیده شدند. به این ترتیب کشمکش بین انسان توانا و ناتوان آغاز شد و اختلاف در جامعه انسانی صورت بست. در این مرحله از زندگی اجتماعی انسان نیازمند به اصول و معیارهایی شد که بر اساس آن حق را تعریف کرده و عدالت را عینیت بخشد و در یک ساختار صحیح، وحدت جامعه را تضمین کند و به جای آنکه تواناییها و استعدادهای متنوع، خاستگاه تعارض و منشأ استعمار و بهره کشی باشند، در مسیری سازنده و مثبت و در جهت منافع و آسایش عمومی و امنیت و ثبات اجتماعی جریان یابند. اندیشه حکومت انبیاء در این مرحله به وجود آمد و آنان برای ایفای نقش خود به بنیان گذاری «حکومت صالح» همت گماردند.

همان طور که در آیه گذشته مشاهده کردیم خداوند متعال بنیان و قوانین این حکومت را بنا نهاد. پیامبران برای استقرار «حکومت صالح» نهایت پشتکار و تلاش خود را مبذول می داشتند تا آنجا که بسیاری از آنان مانند داود، سلیمان و ... مستقیماً عهده دار رهبری و اداره حکومت شدند و برخی از آنان مانند موسی علیه السلام تمام زندگی خود را در این راه سپری کردند تا آنکه حضرت محمد مصطفی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله توانست با برپایی پاک ترین و منزه ترین حکومت تاریخ،



تلاش سلف صالح خود را مزین و آراسته کند. حکومتی که توانست چرخش حق مدارانه بزرگی در تاریخ انسان ایجاد کند و اصول و مبانی «حکومت صالح» را به طرز با شکوه و کاملی به منصه ظهور در آورد.

به رغم آنکه پس از ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بسیاری از اوقات و برهه های تاریخ کسانی که به رهبری این حکومت رسیدند اهداف راستین و رسالت سترگ آن را پاس نمی داشتند، نهاد امامت به عنوان ادامه حرکت روحی و فکری انبیاء و وارث رسالتهای آسمانی، به تصحیح مسیر حکومت و بازگشت آن به سیره نبوی همت گذاشت؛ تا آنجا که پیشوایان هدایت، نهایت نیرو و توان خود را برای جانفشانی در این راه مبذول داشتند که

شهادت سرور آزادگان و سرآمد به خون خفتگان در راه حق، ابی عبد الله الحسین و برگزیدگان خاندان و یاراناش در روز عاشورا نقطه عطفی در این مسیر به شمار می رود.

همان گونه که امامت ادامه نبوت به شمار می رود، مرجعیت نیز در عصر غیبت نقش امامت را بر عهده دارد و مسؤولیت این رسالت بزرگ را بر دوش می کشد.

همان گونه که امامت ادامه نبوت به شمار می رود، مرجعیت نیز در عصر غیبت

نقش امامت را بر عهده دارد و مسؤولیت این رسالت بزرگ را بر دوش می کشد. نهاد مرجعیت در طول تاریخ و به اشکال مختلف در راه برپایی «حکومت صالح» و یا ایجاد مقدمات آن اقدام کرده است.

بدینسان در طول زمان، زندگی عالم مسلمان شیعه و شایستگان و فرزندان محروم و مستضعف امت اسلامی بر پایه انکار و رد و مقاومت در برابر جلوه های رنگارنگ باطل و پافشاری، اصرار و ایستادگی بر وفاداری به حکومت انبیاء و پیشوایان هدایت استوار گشت. حکومت حق و عدلی که تمامی پیشروان قافله بشری و سرآمدگان شایستگان انسانی برای برپایی آن جهاد و مبارزه کردند. ملت مسلمان ایران به عنوان جزئی از امت اسلامی که بیشترین پیوند را با مرجعیت داشت توانست در راه برپایی حکومت انبیاء و صدیقان برای این ایستادگی دلیرانه و انکار قهرمانانه بنیانی سترگ بپردازد.

این بنیان مستحکم به برکت رهبری حکیمانه مرجعیت صالح که در امام خمینی رحمه الله تجسم و عینیت یافته، در کشاکش مبارزه پولادین با طاغوتها و مقاومت دلیرانه در مقابل فرعون زمان ایران بر فراز آگاهی دینی، بینش سیاسی خود را بازیافت تا آنجا که توانست بزرگ ترین شکست را به او و هواداران استعماری اش و به استعمارگران کافر در پهنه گسترده جهان اسلام وارد کند.

است. به زودی ضمیر انسان گمراه و وجدان توده های حرممان زده را تکان خواهد داد و جهان در نور اسلام فرو خواهد رفت؛ نوری که غرب و مزدوران فرهنگی اش آن را پوشانده اند و به منظور دور داشتن عالم اسلامی از این نور تمامی امکانات خود را از اشغال نظامی تا مسخ فرهنگی و تحریف عقیدتی به کار گرفتند تا تسلط خود را بر جهان اسلام تضمین و پیروی و تبعیت را بر او تحمیل کنند.

اسلامی که به وسیله استعمار و به منظور پیروی کورکورانه اسلام از جهان غرب از نظر سیاسی و نظامی عقب نگه داشته شده و در محدوده دیدگاه های تنگ به اسارت در آمده بود، در ایران از تنگنای اسارت و بردگی نجات یافت و به زلزله ای سهمگین بر بنیان ستم و الگویی مترقی برای سازندگی این ملت مبارز و جانفشان و تیغی آهینخته بر سر طاغوتیان و منافع استعمار و شالوده ای مستحکم برای بازسازی امت اسلامی تبدیل شد. امام خمینی با رهاندن اسلام از تنگنای اسارت نه تنها قدرت برتر خود و دلاوری ملت ایران را به نمایش گذاشت بلکه بر بزرگی گناه و جرم تمام کسانی که در عقب نگه داشتن اسلام و اسارت آن و منجمد کردن نیروهای سرشار و سازنده اش و دور کردن فرصت برپایی تمدن اسلامی با استعمار شریک بودند تأکید کرد. این نور جدید که قلم سرنوشت، اشاعه و گسترش آن در جهان را تقدیر ملت ایران نوشته است، رژیمها و نظامهایی که نام اسلام را به فریب و دروغ بر خود بسته اند، به میزانی که از حقیقت اسلام دور بوده و آن را انکار می کردند بی آب و رو خواهد ساخت.

اندیشه های بنیادین در پیش نویس قانون اساسی

با الهام از روح معنوی ملت ایران و در پرتو تعالیم اسلام در آنچه که خواهد آمد، به پاره ای از اندیشه های بنیادی پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می پردازیم.

ملت بزرگ ایران اولاً به اسلام، به عنوان شریعتی که باید زندگی بر اساس آن استوار شود و ثانیاً به مرجعیت مبارز، به عنوان رهبری کارآمد که این ملت را در سیاه ترین شرایط مبارزه رهبری کرد و آن را به پیروزی رساند و طاغوت را در هم شکست و ثالثاً به انسان ایرانی و کرامت او و به حق او برای آزادی، برابری و مشارکت او در ساختن جامعه، ایمانی را سخ دارد؛ براساس این ایمان، امور زیر ثابت می شود:

۱ - خداوند متعال منشأ تمامی قدرتهاست. این حقیقت سترگ بزرگ ترین انقلابی شمرده می شود که انبیاء برای آزادی انسان از عبودیت انسان برپا و برای تحقق آن مبارزه کردند. این حقیقت بدان معناست که انسان آزاد است و هیچ

طبیعی است که ایمان ملت مسلمان ایران به رسالت بزرگ تاریخی اش و آگاهی اش به منزلت رفیع اسلام افزون شود. بدان سبب که به واسطه اسلام و به برکت پیروی مرجعیتی که اسلام بنیاد آن را نهاد و به رهبری خمینی، ملت مسلمان ایران توانست سنگین ترین زنجیرها را بشکند و بندهای سهمگین اسارت را از پای گرفتاران و انهد. پس اسلام تنها مجموعه ای نظری نیست بلکه اسلام تنها عامل نجات دهنده و یگانه قدرت موجود در صحنه بود که توانست پیروزی را برای ملت بزرگ ایران رقم بزند. از اینجاست که طرح «مرجعیت رشیده»، به عنوان نماد و هدف و حقیقتی برای جمهوری اسلامی، بسیاری زنده از عمق جان امت و نتیجه طبیعی و زیبای مبارزه او و تضمینی برای حرکت در راه پیروزی به شمار می رود؛ راهی که اسلام فرا روی او گشوده است.

در این لحظات بحرانی از تاریخ انسان، ملت ایران تنها به عنوان ملتی که در جهت منافع خود تلاش می کند، انگاشته نمی شود؛ بلکه به یمن برافراشتن این مشعل هدایت و دعوت و به واسطه مسؤلیت و تلاش پیوسته اش در اجرای این اندیشه، خود را به مثابه پایگاهی مستحکم برای پرتوافکنی بر عالم اسلام و تمامی جهان شناسانده است. در این آنات و لحظات، چشم

امید همه ملت های اسلامی به نجات دهنده ای دوخته شده که او را از سلطه انسان غربی و تمدن فزون خواه و استثمار کننده اش برهاند.

تمامی ملت های جهان نیز تشنه پیام و رسالتی هستند که بر بهره کشی انسان از انسان نقطه پایانی گذارد. ملت مسلمان ایران در این لحظات پر حادثه تاریخی و آکنده از روح جهاد و حماسه و ملامت از احساس پیروزی و سرشار از اراده تغییر و اصلاح، برای ایفای نقش خود قیام کرده است و برای اولین بار در تاریخ معاصر اسلام قانون اساسی جمهوری اسلامی را تدوین کرده و برای عملی کردن این قانون در یک تجربه پیشرو و با شکوه مصمم است.

ملت مسلمان ایران در این لحظات پر حادثه تاریخی و آکنده از روح جهاد و حماسه و ملامت از احساس پیروزی و سرشار از اراده تغییر و اصلاح، برای ایفای نقش تاریخی خود قیام کرده است و برای اولین بار در تاریخ معاصر اسلام قانون اساسی جمهوری اسلامی را تدوین کرده و برای عملی کردن این قانون در یک تجربه پیشرو و با شکوه مصمم است.

تاریخی خود قیام کرده است و برای اولین بار در تاریخ معاصر اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی را تدوین کرده و برای عملی کردن این قانون در یک تجربه پیشرو و با شکوه مصمم است.

همان گونه که این ملت بزرگ نهاد، جان جهان را تکان داده است و با ارزشهای اصیل خود که در خلال مبارزه به آنها عینیت بخشیده معیارهای مادی دنیا را به چالش کشیده

کس دیگر و یا هیچ طبقه و مجموعه بشری حق سروری و سیادت بر او را ندارد و تنها از آن خداست. بدینسان بر تمامی چهره های متنوع خودکامگی و اشکال گوناگون استثمار و بهره کشی و سلطه انسان بر انسان نقطه پایانی گذارده می شود. این سلطه و سیادت الهی که انبیاء در پرتو شعار «لا اله الا الله» مردم را به آن فرا می خواندند، با آنچه که پادشاهان و جباران تاریخ تحت عنوان یک «حق الهی» و به منظور تسلط و زورگویی بر مردم آن را تبلیغ می کردند تفاوتی اساسی و اختلافی بنیادی دارد؛ زیرا آنان برای آنکه قدرت را در انحصار خود در آورند و خویشتن را به عنوان جانشینان الهی بر روی زمین معرفی کنند تنها سیادتی اسمی و شعاری برای خداوند متعال قائل بودند، اما پیامبران الهی و راهبان کاروان آزادی، کاروانی که انبیاء، امانتداران پیام الهی و پیروان راستیشان آن را رهبری می کردند، در طول تاریخ تنها به سیطره و سیادت الهی ایمان آوردند و به برکت سیادت خود، انسانیت را از پرستش انسان در تمامی انواع فریبده اش آزاد کردند.

از آنجایی که انبیاء با برخورداری از وحی الهی و در قالب شریعتی فرو فرستاده از جانب خداوند به سلطه و سیره الهی معنایی حقیقی و واضح بخشیده اند، امکان آنکه عنوان سلطه الهی برای زمینه سازی و پی ریزی تسلط فرد خانواده و یا طبقه ای مورد سوء استفاده قرار بگیرد وجود ندارد. تا زمانی که خدا مرکز و خاستگاه مراکز قدرت انگاشته شود و شریعت الهی بیانی روشن و مشخص از جانب خداوند به شمار آید، طبیعی است که اعمال حاکمیت مراکز قدرت بر اساس شریعت اسلام باشد.

۲- دین مبین اسلام خاستگاه قانونگذاری است. این سخن بدان معناست که شریعت اسلامی تنها منبعی است که قانون اساسی از آن اقتباس می شود و قوانین جمهوری اسلامی در پرتو روشنائی آن نهاده می شوند. این قانونگذاری بدین ترتیب اعمال می شود:

الف) احکام ثابت دین که از نظر فقهی واضح و روشن هستند، تا آنجا که به زندگی اجتماعی مربوط می شود، جزء تغییر ناپذیری از قانون اساسی شمرده می شوند؛ اعم از آنکه متن آن به صراحت در سند قانون اساسی آمده باشد و یا آنکه نیامده باشد.

ب) در مورد هر مسأله ای که نسبت به آن بیش از یک نظر فقهی وجود داشته باشد و به اصطلاح یک نظر دارای جایگزینهای اجتهادی متعددی باشد، انتخاب گزینه مشخصی از میان این نظرات بر عهده قوه مقننه است. قوه ای که بر اساس مصلحت عمومی از سوی مردم انتخاب شده است.

ج) در مواردی که یک نظر قسطنطنیه و نهایی در مورد مسأله ای به صورت وجوب یا حرمت از جانب شریعت وجود ندارد قوه مقننه که برخاسته از اراده مردم و نماینده آنها است وظیفه دارد بر اساس مصالحی که تشخیص می دهد به شرط عدم مغایرت با قانون اساسی، قانون گذاری کند. گستره این قوانین «منطقه الفراغ» نامیده می شود. این گستره شامل تمامی حالاتی است که دین، انتخاب را بر مکلف واگذار کرده است. قوه مقننه دارای این حق است که بر اساس مصالح عمومی و به شرط عدم مغایرت با قانون اساسی در این موارد تصمیم گیری و قانون گذاری کند.

۳- اعمال حاکمیت قوای مجریه و مقننه استوار بر اراده مردم است و آنان صاحبان حق برای اعمال حاکمیت به شمار می روند و به شیوه ای که در قانون اساسی مشخص شده آن را اعمال می کنند. حق مخالفت و سرپرستی، برگرفته از منشأ قدرتهای حقیقی یعنی خداوند متعال است؛ با اعمال این حق است که امت نسبت به مسؤلیت خود به اوج آگاهی و شناسخت می رسد، زیرا آنان در می یابند تنها به عنوان «خلیفه خدا بر روی زمین» حق تصرف و اعمال قدرت را دارا هستند. بنابراین مردم به صورت استقلالی مالک قدرت و دارای حق حکمرانی نیستند بلکه آنان در پیشگاه خداوند متعال نسبت به پذیرش این امانت و قیام به وظایف خود در قبال آن، متعهد و مسؤول هستند.

«انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجنات فابین ان يحملها واشفقن فيها وحملها الانسان» ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند ولی انسان آن را برداشت.

مردم حق حاکمیت خود را به روشهای زیر اعمال می کنند:

الف) مردم رئیس قوه مجریه را انتخاب می کنند و همان طور که در بند چهارم خواهد آمد این انتخابات بعد از آن است که «مرجعیت رشیده» کسانی را برای احراز پست ریاست جمهوری نامزد کند. بعد از انتخاب رئیس قوه مجریه وی شخصا عهده دار تشکیل اعضای خود می شود.

ب) انتخاب نمایندگان مجلس نخبگان (اهل حل و عقد) وابسته به رأی مردم است. وظایف این مجلس به قرار زیر است:

- به منظور همکاری با رئیس قوه مجریه، مجلس اعضای دولت را که به وسیله رئیس جمهور معرفی شده اند تأیید می کند.

«مرجعیت رشیده» به فراهم آوردن مجلسی که در برگیرنده صد نفر از عالمان فرهیخته می باشد همت می گمارد. این مجلس در برگیرنده حداقل ۱۰ نفر از مجتهدین، عده ای از فضلاء حوزة علمیه و نمایندگان مراجع، سخنوران و نویسندگان و متفکرین زبده و توانای اسلامی می باشد.

«مرجعیت رشیده» از طریق این مجلس وظایف خود

را به انجام می رساند. مرجعیت رشیده واقعیتهای نهادینه در جامعه است که بر اساس معیارهای کلی و عمومی دین شکل یافته است. به عنوان مثال «مرجعیت رشیده»

اکنون در مرجعی که رهبری انقلاب را بر عهده دارد تمثیل و عینیت یافته است؛ مرجعی که ملت ایران را نزدیک به ۲۰ سال رهبری کرد تا آنکه تمامی مردم در پشت سر او به حرکت درآمدند و انقلاب به پیروزی رسید. از آن جا که مرجعیت به مثابه نهادی برتر برای حکومت اسلامی در طول زمان دانسته می شود، ضروری است در شخصی که این مسئولیت را بر عهده می گیرد شرایط و ویژگیهای زیر موجود باشد:

الف) ویژگیهای یک مرجع دینی از قبیل اجتهاد مطلق و عدالت.

ب) اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت پشتیبانی از آن. (این نگرش فقهی از خلال تألیفات و مباحث وی واضح و آشکار می شود)

ج) بالفعل دارای منصب مرجعیت باشد و این منصب را از روشهای طبیعی و سازوکارهای معهود تاریخی احراز کرده باشد.

د) آنکه از سوی اکثریت اعضای مجلس به عنوان مرجع معرفی شده باشد و این معرفی با ساز و کاری که در قانون مشخص شده، از سوی تعداد زیادی از دست اندرکاران مسائل دینی مانند طلاب و نمایندگان مراجع، امامان مساجد، سخنرانان، نویسندگان و متفکرین اسلامی مورد تأیید باشد.

در حالتی که مراجع متعددی دارای شرایط احراز این مسئولیت باشند، برای تعیین «مرجعیت رشیده» به آراء عمومی مراجعه می شود.

۱- مجلس عهده دار انتخاب و مشخص کردن یکی از گزینه های اجتهادی جایگزین می باشد.

۲- مجلس بنا وضع قوانین مناسب، «منطقة الفراع» را بر می کند.

۳- مجلس نسبت به همخوانی قوانین عادی بنا قانون اساسی مراقبت می کند و بر عملکرد قوه مجریه نظارت دارد.

۴- «مرجعیت رشیده» مبین شرع اسلام است و از جهت دینی «نائب عام» امام معصوم به شمار می رفته بنابراین امور ذیل را بر عهده دارد.

الف) «مرجعیت رشیده» بالاترین مقام حکومت و فرمانده کل قوامی باشد.

ب) «مرجعیت رشیده» فرد یا افرادی را که برای به دست آوردن ریاست قوه مجریه داوطلب شده اند نامزد و یا نامزدی آنها را تأیید می کند.

معرفی نامزد قوه مجریه از سوی «مرجعیت رشیده» که به منظور سرایت قداست به نامزد پیروز انتخابات و افزایش انتصاب وی به دین صورت می گیرد، علاوه بر آنکه به عنوان وکالت نامزد متخمس از سوی «مرجعیت رشیده» شناخته می شود همچنین بر هماهنگی میان جریان احراز قدرت به وسیله وی و روح قانون اساسی تأکید می کند.

ج) «مرجعیت رشیده» موظف به تعیین دیدگاه قانونی دین اسلام است.

د) «مرجعیت رشیده» عهده دار تصمیم گیری در مسائل قوانینی است که به وسیله مجلس نخبگان، (اهل حل و عقد) در گستره «منطقة الفراع» وضع شده اند.

ه) «مرجعیت رشیده» دادگاهی عالی برای بررسی تخلفات احتمالی در مورد مسائل سابق الذکر ایجاد می کند.

و) «مرجعیت رشیده» به تشکیل محاکم قضایی در تمامی مناطق، برای بررسی پرونده دادخواهان و شاکیان و آذاره شایسته این محاکم اقدام می کند.

۵- چندان که گذشت مردم صاحبان حق در حاکمیت و حاملان این امانت الهی به شمار می روند و در پیشگاه قانون تک تک آحاد مردم در این حق مساوی هستند. در راستای اعمال این حق مردم می توانند آرام و افکار خود را بیان کنند و به فعالیت‌های سیاسی در تمامی اشکال آن بپردازند. همچنین تمامی مردم حقی انجام اعمال دینی و شعائر مذهبی خود را دارا هستند. حکومت نیز موظف به مهیا کردن زمینه‌های استیفای این حقوق برای هموطنان غیر مسلمانی است که انتساب سیاسی خود به حکومت اسلامی و چارچوب ایدئولوژیک آن را پذیرفته اند؛ هر چند که آنان پیروان سایر ادیان باشند.

۶- جمهوری اسلامی ایران بنا بر رسالت و مسؤلیت بزرگی که بر دوش دارد اهدافی تاریخی را دنبال می کند که می توان گفت خطوط کلی سیاست و خط مشی اساسی جمهوری اسلامی در عرصه های گوناگون بر پایه این اهداف پی ریزی می شود.

جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور اهداف زیر را دنبال می کند:

الف) اجرای اسلام در عرصه های مختلف زندگی.

ب) عینیت بخشیدن به روح اسلام با برپایی مبانی تأمین اجتماعی و برابری اجتماعی و دوری اختلافات گروهی و آحاد مردم در جریان زندگی و تأمین حداقل زندگی آبرومندانه برای هر شهروند و از سرگیری توزیع عادلانه ثروت با روشهای قانونی، به گونه ای که اصول اسلامی عدالت اجتماعی را عینیت بخشد.

ج) تعلیم و پرورش اندیشه و تربیت همیشگی شهروندان بر اساس اسلام و بنیان نهادن هویت دینی و عقیدتی در تمامی آحاد جامعه تا آن نوع زیرساخت مستحکم فکری و عقیدتی که مردم را برای پیگیری و حمایت از انقلاب توانا و مصمم می سازد شکل یابد.

جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور اهداف زیر را دنبال می کند:

الف) اشاعه نور اسلام و برافروختن مشعل هدایت این رسالت بزرگ در سراسر جهان.

ب) موضع گیری حسیق مدارانه و عدالت جویانه در مسائل بین المللی و ارائه الگو و سرمشقی متعالی از اسلام.

ج) حمایت از محرومان و متهمکنان و مبارزه با استعمار و سرکشی در جهان به ویژه در عالم اسلامی، که ایران بخشی جدایی ناپذیر از آن به شمار می آید.

برای اهداف حکومت بزرگی قرآن پایانی متصور نیست؛ زیرا کلمات خداوند پایان ناپذیرند و عزیمت به سوی آنها و حرکت در جهت پایان ناپذیر کمال هیچگاه متوقف نمی شود، چندان که می توان این حقیقت را، راز قدرت سرشار و سهمگین این حکومت و توانایی او بر توسعه و تکامل و نوآوری پیوسته در مسیر انسان به سوی خدا دانست.

«قل لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بحملة مدادا» (کهف ۱۰۹) بگو اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، بیش بسرو از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد. قطعاً دریا پایان می یابد هر چند نظیرش را به مدد آن بیآوریم.

بر اساس آنچه که گفته شد می توانیم به صورت خلاصه مبانی قانونگذاری فقه اسلامی را که مدل پیشنهادی ما بر آنها استوار گشته است به صورت ذیل بیان کنیم:

۱- حکومت استقلالی تنها از آن خداوند متعال است.

۲- نیابت عامه مجتهد مطلق مساوی و همطرز انام علیه السلام است، چنانکه در روایتی از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه آمده است: «و اما الموادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجت عليكم و انا حجة الله» و اما در روایتهای زمان به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما و من حجت خدای هستم. (وسائل الشیعه، ۱۴۰: ۲۷، باب ۱۱، صفات قاضی، حدیث ۴۹)

این روایت مفسر این معنی دلالت می کند که راویان احادیث ایشان در تمامی روایدهای زمان به میزان ارتباط مسائل به مسؤلیت اجراء و تطبیق دین در زندگی، مرجع مردم هستند و مراجعه مردم به آنان به عنوان راویان احادیث و حاملان شریعت به ایشان حق ولایت می بخشد و این ولایت به معنی اختیار و تسلط کامل آنان در جهت یاده کردن شریعت می باشد.

۳- جانشینی و خلافت عامه بر اساس اصل مشورت استوار است و در چارچوب نظارت و هدایت قانونی نائب امام علیه السلام، به امت حق اعمال حاکمیت نسبت به امور خود را بخشیده است.

۴- استفاده از اندیشه نجیبان و اهل حیل و عقند و اجرای آن در زندگی اجتماع اسلامی به وسیله احکام و قوانینی که مجلس تصویب می کند؛ مجلسی که مردم را نمایندگی می کند و برآمده از انتخاب آنان است. این افکار و اندیشه ها منجر به گسترش و تحول در حیات

اجتماع اسلامی می شود و به صورتی هماهنگ با اصل شوری و نظارت قانونی نائب امام علیه السلام اعمال می شود.

مقایسه بین قوانین اساسی

اکنون در خلال این مقاله کوتاه و در ضمن این بررسی گذرای فقهی پیرامون قانون اساسی، امکان مقایسه بین نظرات و دیدگاه های بیان شده و دیدگاه ها و نظرات دیگر مکاتب اجتماعی در مهم ترین مسائلی که در قانون اساسی جدید عنوان شده، مهیا و فراهم گشته است.

در مورد نظریه تولد و بالندگی حکومتها بر این باوریم که اسلام «نظریه تسلط و چیرگی»، «نظریه تفویض الهی و جبرگرایان»، «نظریه قرارداد اجتماعی» و «نظریه برآمدن دولت از خانواده» را نمی پذیرد و حکومت را پدیده ای نبوی و مرحله ای عالی از کارکرد انبیاء می انگارد که در مقطع مشخصی از زندگی بشر آغاز شده است. بر اساس مبانی اسلامی در مورد تکالیف و وظایف حکومت نیز بر این باوریم که اسلام مکتب اصالت فرد و یا به عبارت

دیگر اندویدنوآلیسم و

لیبرالیسم و همچنین کمونیسم و

اصالت جمع را نمی پذیرد و بر

پیاده کردن دین آسمانی پای

می فشارد. دینی که بر ایجاد

تبادل بین فرد و جامعه و

حمایت از جامعه نه به عنوان

حقیقتی در مقابل فرد، چندان که

هگل می گوید، بلکه به میزانی

که جامعه فراهم آورنده آحاد

توده های مردم و نمایشگر و

نماد آنان به شمار می رود، تأکید

می کند.

از آنجا که حکومت دینی به بهترین وجهی مقید به قانون است، از نظر شکل حکومت، حکومتی قانونی به شمار می رود، زیرا دین بر حاکمان و مردم به صورتی یکسان تسلط و سبطه دارد. همچنین دکتورین اسلامی، نظام پادشاهی و حکومتهای فردی و دیکتاتوری را در تمامی اشکال آن و نظام های آریستوکراسی را بر نمی تابد و شکل جدیدی از نظام حکومتی را ارائه می کند که علاوه بر آنکه در برگیرنده تمامی نقاط مثبت و مزایای نظامهای دموکراسی می باشد، به شکلی قانونی دارای مختصات و ویژگیهایی در ساختار خود می باشد که حکومت را از فساد و انحراف مصون می دارد. در نظام دموکراسی مردم منشأ سلطه و استیلا هستند، در صورتی که در نظام اسلامی

مردم خاستگاه خلافت الهی و مسؤول در برابر خداوند متعال به شمار می روند. در نظامهای دموکراتیک تمامی قوانین به وسیله انسان نهاده می شوند و در بهترین حالات و در شرایط آرمانی به دیکتاتوری اکثریت بسر اقلیت می انجامد در حالی که شریعت الهی و عدالت خداوندی که اجرای آن جزء ثابتی از قانون اساسی محسوب می شود استقرار و نهادینگی قانون و عدم جانبداری آن را تضمین می کند. به عنوان مثال از اینکه دین اسلام جانب اصول مالکیت عمومی و یا مالکیت دولتی را در کنار مالکیت خصوصی قرار می دهد نباید این مسأله را نتیجه تضاد طبقاتی و یا ترجیح مصالح جزئی از اجتماع بر جزء دیگر تصور کرد. بلکه باید آن را برخاسته از معیارهای حق مدارانه و عدالت جویانه دانست. از این روست که شریعت اسلامی از نظر سابقه تاریخی برای جداسازی از تمامی توجیهات مادی و یا طبقاتی که مبنای این نوع قانون گذاریها قرار می گرفتند گوی سبقت را برده است.

درباره چگونگی و کیفیت تعامل و رابطه بین قوا نیز باید گفت که حکومت اسلامی بر اساس تفکیک بین قوه مقننه و قوه مجریه اراده می شود و از این جهت به حکومتهای جمهوری شباهت می یابد، هرچند که حکومت اسلامی با جمهوریهای دموکراسی سرمایه داری تفاوتی بنیادین و آشکاری دارد. عملی کردن حیات اسلامی پیوسته ایجاب می کند مشروعیت رئیس جمهور که نماد حکومت به شمار می رود از قانون اساسی (که جزء ثابتی از آن است) و یا انتخاب مستقیم مردم و یا از هر دو برآمده باشد.

در این نگرش کوتاه و مختصر امکان بررسی مشروح و گسترده تفاوتهای مدل پیشنهادی اسلامی و دیگر نظریات و تجارب بشری عملی، در مورد ساختار و تعامل قوا وجود ندارد.

این نظریه کوتاه فقهی پاسخی به درخواست بزرگوارانه شما علمای اعلام و تصویری کلی از نظریه جمهوری اسلامی می باشد که ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی آن را مطرح کرده است. لازم به ذکر است ما این نظریه فقهی را تنها به عنوان پیشنهادی که قابل بررسی و اجراء بوده و به تبیین اسلامی این مسأله می انجامد و این مسأله را از نقطه نظر اسلامی تبیین می کند، عرضه می کنیم.

از خداوند متعال سلامتی و توفیقات شما برای خدمت به اسلام و برافراشتن پرچم آن را خواهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نجف اشرف / ۶ ربیع الاول ۱۳۹۹